



A Comparative Study of the Legislative Policy of Countries in the Protection of Animal Rights

Navid Zamaneh Ghadim

Assistant Professor of International Law, Rushdieh
Institute of Higher Education, Tabriz, Iran.

Aram Abbaspour Jalali *

Lecturer of Private Law, Rushdieh Institute of
Higher Education, Tabriz, Iran.

Abstract

In the past, there were no laws to prevent excessive hunting of animals, and this caused the extinction of many rare species. Also, due to the increase in the number of families in favor of taking care of pets such as dogs, cats, all kinds of birds, etc., laws and regulations regarding the protection of animals and maintaining their basic rights have been established in many developed countries. The first challenge ahead is the power of the legal regulations protecting the wild and domestic animals, with the explanation that some laws have strong enforcement power in the respective countries, but in others, they have weak enforcement power. The second challenge is the weakness of the supervisory system of relevant organizations and some developed countries. The third challenge is the pressure of laws on pet owners. The present article, with the descriptive-analytical method and with the aim of developing legal literature with a "supportive and protective" approach, seeks to evaluate these issues and seeks to prove that "supportive and protective" legislative policy approach is subordinate to "rights" rather than "rights" being used as a tool to justify human cruel actions against animals.

Keywords: animal rights, legislative policy, violence against animals, national law, animal welfare

Received: 20/September/2024

Accepted: 15/November/2024

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

مطالعه تطبیقی سیاست تقنینی کشورها در حمایت از حقوق حیوانات

نوید زمانه قدیم

استادیار حقوق بین‌الملل مؤسسه آموزش عالی رشدیه، تبریز، ایران.

آرام عباسپور جلالی *

مدرس مدعو حقوق خصوصی مؤسسه آموزش عالی رشدیه، تبریز، ایران.

چکیده

در گذشته، هیچ قانونی برای جلوگیری از شکار بی‌رویه حیوانات وجود نداشت و همین امر سبب انقراض نسل بسیاری از گونه‌های نادر شد. بعد از این جریان‌ها، قوانین متعددی برای پیشگیری از انقراض نسل باقی گونه‌های موجود وضع شد. همچنین، با توجه به افزایش شمار خانواده‌های طرفدار سرپرستی حیوانات خانگی از قبیل سگ، گربه، انواع پرندگان و غیره، قوانین و مقرراتی در رابطه با حمایت از حیوانات و حفظ حقوق اولیه آن‌ها در بسیاری از کشورهای پیشرفته وضع گردید. بر این اساس، اولین چالش پیش رو، قدرت قوانین حقوقی حمایت از حیوانات وحشی و اهلی دولت‌هاست؛ با این توضیح که برخی از قوانین دارای قدرت اجرایی قوی در کشورهای مربوطه بوده ولی در برخی دیگر دارای قدرت اجرایی ضعیف هستند. دومین چالش، ضعف سیستم نظارتی سازمان‌های ذی‌ربط و برخی کشورهای توسعه‌یافته و سومین چالش، اعمال فشار قوانین بر صاحبان حیوانات خانگی است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف توسعه ادبیات حقوقی با رویکرد «حمایتی و حفاظتی» به دنبال ارزیابی این مسائل و اثبات رویکرد سیاست تقنینی «حمایتی و حفاظتی» تابع «حقوق» است، نه اینکه «حقوق» به مثابه ابزاری برای توجیه اقدامات ظالمانه انسانی علیه حیوانات باشد.

کلیدواژه‌ها: حقوق حیوانات، سیاست تقنینی، خشونت علیه حیوانات، قانون ملی، رفاه حیوانات

مقدمه

اصطلاح حقوق حیوانات، اغلب مترادف با حمایت از حیوانات یا آزادی حیوانات استفاده می‌شود. به‌طور دقیق‌تر، حقوق حیوانات به این ایده اشاره دارد که بسیاری از حیوانات دارای حقوق اساسی‌ای هستند که باید با احترام به آن‌ها، به‌عنوان فردی از زیست اجتماعی رفتار شود، حق حیات، آزادی و رهایی از شکنجه که ممکن است با ملاحظات رفاه کلی نادیده گرفته نشود. بسیاری از مدافعان حقوق حیوانات با اعطای ارزش اخلاقی و حمایت‌های اساسی برای گونه‌های خاص مخالف هستند. آن‌ها این عقیده را که به گونه‌گرایی معروف است، مانند هر پیش‌داوری دیگری غیرمنطقی می‌دانند. آن‌ها معتقدند که حیوانات نباید صرفاً به این دلیل که انسان نیستند، به‌عنوان دارایی در نظر گرفته شوند یا به‌عنوان غذا، پوشاک، سرگرمی و یا حیوانات باری استفاده شوند. سنت‌های فرهنگی متعدد در سراسر جهان مانند جینیسم، تائوئیسم، هندوئیسم، بودیسم، شینتو و آئیمیسیم نیز از اشکال حقوق حیوانات حمایت می‌کنند. به موازات بحث در مورد حقوق اخلاقی، دانشکده‌های حقوق در آمریکای شمالی در حال حاضر اغلب حقوق حیوانات را آموزش می‌دهند. چندین محقق حقوقی مانند استیون ام وایز و گری ال فرانیسونه، توجه زیادی به گسترش حقوق اولیه قانونی و شخصیت به حیوانات غیرانسانی مثل میمون‌ها داشته‌اند. در مقابل، برخی دیگر با آن مخالف‌اند زیرا ارزش اخلاقی را بر پیچیدگی ذهنی و نه صرفاً احساسی پیش‌بینی می‌کند. از نوامبر ۲۰۱۹، ۲۹ کشور ممنوعیت آزمایش هومینوئید را وضع کرده بودند. آرژانتین از سال ۲۰۱۴ به اورانگوتان‌های اسیر، حقوق اولیه بشری را اعطا کرده است. اکثریت قریب به اتفاق حیوانات، هیچ حقوق رسمی و قانونی ندارند. منتقدان حقوق حیوانات استدلال می‌کنند که حیوانات قادر به انعقاد قرارداد اجتماعی نیستند و نمی‌توانند صاحب حقوقی باشند. دیدگاهی که فیلسوف راجر اسکروتون خلاصه می‌کند و می‌نویسد که فقط انسان‌ها تکالیف دارند؛ بنابراین، فقط انسان‌ها حقوق دارند. استدلال دیگری که با سنت سودگرایانه مرتبط است، معتقد است که حیوانات تا زمانی که رنج غیرضروری وجود نداشته باشد، ممکن است به‌عنوان منابع مورد استفاده قرار گیرند. حیوانات ممکن است دارای جایگاه اخلاقی باشند اما ممکن است در منافع نسبتاً بزرگ‌تر، از هرگونه منفعتی که دارند، نادیده گرفته شوند. برای جمع‌آوری رفاهی که با استفاده از آن‌ها ممکن شده است، اگرچه آنچه به‌عنوان رنج ضروری یا قربانی مشروع منافع به حساب می‌آید، می‌تواند به‌طور قابل توجهی متفاوت باشد اما اشکال خاصی از فعالیت‌های حقوق حیوانات مانند تخریب مزارع خز و آزمایشگاه‌های حیوانات توسط جبهه آزادی حیوانات، انتقاداتی را از جمله از درون خود جنبش حقوق حیوانات برانگیخته و کنگره ایالات متحده را وادار به وضع قوانینی کرده است. به‌عنوان مثال، قانون تروریسم سازمانی حیوانات که پیگرد قانونی این نوع فعالیت‌ها را به‌عنوان تروریسم مجاز می‌کند؛ بنابراین، بررسی حقوق و آزادی‌های حمایتی از حیوانات (اهلی و وحشی) از منظر قوانین داخلی، به جهت اینکه این موجودات عنصر اصلی محیط‌زیست بوده و از بین رفتن آن‌ها تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر حیات بشری خواهد داشت، حائز اهمیت بوده و در مقاله حاضر مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است.

روش

روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است.

یافته‌ها

۱- سیاست تقنینی کشور آفریقای جنوبی

از زمان آغاز دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی در آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۴، قانون‌گذاران، سیاست‌گذاران و دادگاه‌ها به‌طور یکسان تمایل داشته‌اند که از به رسمیت شناختن صریح منافع حیوانات در قانون اجتناب کنند. با این حال، کمی پس از اینکه آفریقای جنوبی در سال ۱۹۱۰ به یک کشور واحد با چهار استان تبدیل شد، اولین قانون حمایت از حیوانات با عنوان جلوگیری از ظلم به حیوانات تصویب شد. این قانون، جایگزین قانون حفاظت از حیواناتی شد که در سال ۱۹۶۲ به دفعات اصلاح شده بود. قانون حمایت از حیوانات، طیفی از جرائم را که باعث رنج غیرضروری برای حیوانات می‌شود، جرم‌انگاری نموده و اختیارات اجرای قانون را برای پرداختن به خشونت علیه حیوانات فراهم می‌کند. قانون شماره ۲۴ حفاظت از حیوانات در سال ۱۹۳۵ تصویب شد که به‌طور خاص با حیوانات در صنایع سرگرمی و امنیتی سروکار داشت در حالی که قوانین دیگری وجود دارد که رفاه حیوانات را پوشش می‌دهد. رویه‌های خاص این دو قانون، حمایت‌های صریح اصلی را تشکیل می‌دهند که در قانون آفریقای جنوبی در خصوص حیوانات ارائه می‌شود. با این حال، به‌طور پراکنده نشانه‌هایی وجود داشته است که این قوانین جایگزین شوند. بدین ترتیب، قانون‌گذار در سال ۲۰۱۳، رسماً قانون شماره ۲۴ حفاظت از حیوانات را اجرایی کرد. آفریقای جنوبی مجموعه‌ای متنوع از حیات وحش را دارد و همه‌ساله گردشگران بسیاری را از سرتاسر دنیا به خود جذب می‌کند. در بخش ۲۴ قانون اساسی آفریقای جنوبی، حفاظت از محیط‌زیست اغلب از طریق الزام ارتباط با حیوانات وحشی اعمال می‌شود. قانون‌گذار در اجرای این بخش از قانون اساسی، از زمان ظهور دموکراسی قانون اساسی تا آن زمان، تعداد زیادی از قوانین زیست‌محیطی را تصویب کرد. بخش اصلی قانون به‌عنوان چارچوب ملی محیط‌زیست شناخته می‌شود. در دوران استعمار، کشتار عمدی فیل‌ها در آفریقای جنوبی از طریق شکار به دلیل به دست آوردن عاج سبب شد دولت برای جلوگیری از نابودی عمدی فیل‌های آفریقای جنوبی، تدابیر حفاظتی را در نظر بگیرد. در نتیجه این تدابیر، جمعیت فیل‌ها در آفریقای جنوبی به‌ویژه در پارک ملی کروگر افزایش یافت. دانشمندان در سال ۱۹۶۷ با تحقیقاتی با توجه به دانش علمی آن زمان انجام دادند، افزایش جمعیت فیل‌ها را نگران‌کننده اعلام کرده و اذعان داشتند این افزایش جمعیت، تنوع زیستی پارک کروگر را از بین می‌برد؛ بنابراین، آن‌ها پیشنهاد کشتن گله‌های فیل‌ها را برای کنترل جمعیت ارائه دادند. به ادعای دانشمندان، جمعیتی در حدود ۷۰۰۰ فیل در این پارک زندگی می‌کردند که خارج از ظرفیت پارک بود و در آینده نزدیک و با افزایش جمعیت فیل‌ها، تهدید بزرگی برای نابودی پارک به شمار می‌آمد. این عمل بسیار بحث‌برانگیز شد و با ظهور دموکراسی جدید در آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۴، لابی‌ها تشدید گردید. در سال ۱۹۹۵، دولت دستور تعلیق کشتار را در انتظار بررسی و بحث علمی بیشتر صادر کرد. در پژوهش کائو و وایت^۱ (۲۰۱۶)، از سرگیری کشتار فیل‌ها در سال ۲۰۰۴ در آفریقای جنوبی با مخالفت‌های شدید فعالان محیط‌زیست مواجه شد. در سال ۲۰۰۴، پارک‌های ملی آفریقای جنوبی، نشستی برای بحث در مورد از سرگیری کشتارها برگزار کردند لیکن تشت آراء میان اعضای جلسه وجود داشت؛ بدین نحو که بین طیف وسیعی از سازمان‌های حفاظت شامل گروهی از دانشمندان، بوم‌شناسان، حقوق‌دانان و فعالان حقوق حیوانات و نهادهای سنتی که طرفدار از سرگیری کشتار بودند، مخالفت شدیدی نسبت به از سرگیری کشتار فیل‌ها به وجود آمد. در مارس ۲۰۰۵، پارک‌های ملی آفریقای جنوبی، گروهی از دانشمندان را برای تشکیل یک جلسه در مورد حل بحران افزایش جمعیت فیل‌ها گرد هم آورد. با وجود حجم زیادی از عدم قطعیت و اختلاف بین دانشمندان در مورد کشتار و تأثیر آن بر جمعیت فیل‌ها، هنوز هم از کشتار حمایت می‌شود. هنجارها و استانداردها، مجموعه اهدافی است که بقای طولانی‌مدت و پایدار جمعیت فیل‌ها در طبیعت را تعیین می‌کند. با این حال،

شناخت جامعه فیل‌ها باید به گونه‌ای باشد که بتوان با روش‌های اخلاقی و انسانی آن را مدیریت کرد. مجموعه‌ای از اصول و قواعد برای راهنمایی کسانی که وظیفه برقراری ارتباط با فیل‌ها دارند، وجود دارد که عبارت‌اند از:

- (۱) فیل‌ها باهوش هستند، پیوندهای خانوادگی قوی دارند و در درون خانواده خود بسیار خوب عمل می‌کنند، گروه‌های فیل‌ها اجتماعی شده و اختلال غیرضروری این گروه‌ها با مداخله انسانی باید به حداقل برسد.
- (۲) مداخله‌های مدیریتی باید در هر جا که عملی باشد، بر مبنای علم صورت گیرد. دانش یا تجربه مدیریت در مورد جمعیت فیل‌ها باید به گونه‌ای باشد که:
 - ساختار اجتماعی فیل‌ها را در نظر بگیرد.
 - بر اساس اقداماتی برای جلوگیری از استرس و مزاحمت برای فیل‌ها باشد.
 - در مواردی که اقدامات کشنده‌ای برای مدیریت یک فیل یا گروهی از فیل‌ها یا کنترل جمعیت فیل‌ها ضروری است، این اقدامات باید پس از بررسی همه گزینه‌های دیگر و با احتیاط انجام شود.
 - تلاش کرد تا استفاده از فیل‌ها به عنوان ابزار مهم بخش گردشگری مبتنی بر طبیعت به شکل یا شیوه‌ای نامناسب، غیرانسانی یا غیراخلاقی نباشد.
 - برای محافظت از سوءاستفاده از فیل‌ها باید به طور قابل توجهی تلاش کرد.

همه نشانه‌ها در طول سال ۲۰۰۴ حاکی از آن بود که سازمان‌های دولتی به شدت متعهد به ازسرگیری کشتار عمده فیل‌ها در پارک کروگر و سایر بخش‌های جنوب هستند. پارک ملی آفریقا که یکی از سهامداران کلیدی بوده و به طور مؤثر پارک‌های ملی را کنترل می‌کند، موافق کشتار عمده فیل‌هاست. با وجود اینکه امکان کشتن فیل‌ها وجود دارد، هنجارها و استانداردهای نهایی، شرایط سخت‌گیرانه‌ای را برای زمانی که می‌توان از آن استفاده کرد، وضع می‌کند. کمپین مربوط به قتل فیل شاید موفق‌ترین و پیچیده‌ترین جنبش مربوط به حقوق حیوانات است که پس از آپارتاید آفریقای جنوبی راه‌اندازی شده است.

۲- سیاست تقنینی کشور انگلستان

موضوع پیدایش قانون حمایت از حیوانات در قرن نوزدهم با موضوع صنعتی شدن، شهرنشینی و رشد مدنی طبقات شهرنشین انگلستان مطرح شد. در قرون وسطی، نگهداری از حیوانات خانگی در میان افراد مرفه و نیز در میان دستورات مذهبی رایج شده بود. به نظر می‌رسد در قرن شانزدهم و هفدهم بود که حیوانات خانگی، خود را به عنوان یک عضو عادی خانواده طبقه متوسط تثبیت کردند. به تدریج، این ایده ایجاد شد که حیوانات اهلی شده نوعی دارایی هستند. حیوانات با خانگی بودنشان متمایز می‌شدند و اجازه ورود به خانه و رفتن به کلیسا با همراهان انسانی خود را دارا بودند و هرگز به عنوان طعام مصرف نمی‌شدند. گسترش نگهداری از حیوانات خانگی، پایه روانی این دیدگاه را ایجاد کرد که برخی از حیوانات مستحق حمایت اخلاقی هستند. حیواناتی که در سطح شهر وجود داشت، به نوعی وابسته به یک شخص و یا طبیعت بود، از جمله حیوانات در مزارع، پرندگان و حیوانات وحشی در مزارع و حیوانات خانگی در خانه. در آغاز قرن نوزدهم، بریتانیا از قبل یک کشور متمدن با سبک شهری بود. شهرها مکان‌هایی هستند که حیوانات به طور فزاینده‌ای در آن دیده شده و بحث‌های داغ درباره رفتار آن‌ها در شهرها مطرح می‌شود. هیلدا کین استدلال می‌کند که افزایش دیده شدن حیوانات در یک محیط شهری به ویژه در تغییر احساسات در مورد درمان حیوانات مهم است. لندن یک نقطه کانونی برای استفاده و تجارت حیوانات بود که دارای بازار حیوانات مزرعه در حومه شهر، حیوانات گردشگر متعدد، پرورشگاه‌ها، نمایشگاه‌های دائمی حیوانات، حیواناتی که در تفریحات عمومی استفاده می‌شوند (مانند طعمه گاو نر) و حیواناتی که برای حمل و نقل افراد و کالاها استفاده می‌شوند، است. در سال ۱۸۲۲، پارلمان بریتانیا

قانون مهمی را برای مجازات آزار حیوانات به نام قانون مارتین، به نام ریچارد مارتین، نماینده پارلمان که از این لایحه حمایت می‌کرد، تصویب کرد. این قانون، مجازات کیفری تا پنج پوند را برای رفتار ظالمانه با اسب، گاو و گوسفند در نظر می‌گرفت. از آنجا که این قانون، اولین قانون ملی با هدف ممانعت از ظلم به حیوانات بود، محققان طبیعتاً بر ماهیت آن تمرکز کرده‌اند که یک هنجار جدید مهم را بر روابط بین انسان و سایر حیوانات ایجاد کرد. در عین حال، این قانون بدون تعقیب قضایی شدید که به تعیین خطوط رفتار مجاز با حیوانات کمک کرد، موفقیت‌آمیز نبود. از آغاز و در طول قرن نوزدهم، اکثریت قریب به اتفاق این پیگردها توسط انجمن سلطنتی (یک مؤسسه خیریه خصوصی که تا حدی توسط خود مارتین تأسیس شده بود) با هدف جلوگیری از ظلم به حیوانات انجام شد. این انجمن، درست پس از اجرایی شدن قانون مارتین، تأسیس و در طول سال‌ها قوی‌تر شد. در طول دهه ۱۸۹۰، این سازمان ۱۲۰ بازرس را استخدام کرد و بیش از ۷۰۰۰۰ نفر را تحت تعقیب قرار داد (Anderson, 2012). قانون شکار ۲۰۰۴، تمامی شکار پستانداران با سگ را در انگلستان ممنوع می‌کند. این قانون در ۱۸ فوریه ۲۰۰۵ به اجرا درآمد. طبق این قانون، تمرین شکار با خرگوش نیز غیرقانونی بود. به علاوه، اگر شخص آگاهانه اجازه دهد از زمین یا سگ‌های تحت کنترل او در یک منطقه استفاده شود، شکار غیرقانونی و نقض قانون به شمار می‌رود. طبق این قانون، مجازات محکومین حداکثر ۵۰۰۰ پوند جریمه است. همچنین، دادگاه می‌تواند حکم مصادره هر گونه لوازم شکار، وسیله نقلیه یا سگ را صادر کند (Sursukowski, 2007).

۳- سیاست تقنینی کشور استرالیا

قانون اساسی استرالیا، هیچ اشاره‌ای به حیوانات بومی نداشته است. مسئولیت رفاه حیوانات عمدتاً توسط ایالت‌ها و سرزمین‌ها از طریق یک سیستم مدیریت نظارتی پراکنده، پیچیده، متناقض و ناسازگار باقی مانده است. با توجه به اینکه اکثر حوزه‌های قضایی صراحتاً مالکیت حیات وحش را غیرقانونی اعلام کرده‌اند، اقدام در اختیار گرفتن و تصرف حیوان برای احیای آن، با روند نظارتی مخالفت می‌کند. در اکثر حوزه‌های قضایی، ریزتراشه کردن، چسباندن یا علامت گذاری حیوان غیرقانونی است، به این معنا که هیچ روش قابل اعتمادی برای نظارت بر حیوان وجود ندارد. هر ساله حداقل ۵۰۰۰۰ حیوان بومی بازپروری شده با نظارت اندک، پس از احیا به طبیعت رها می‌شوند. در صورت لزوم، ارزیابی الزامات رفتاری و بهداشتی برای تأیید مناسب بودن جهت آزادی ممکن است توسط افرادی با شرایط ناچیز یا مشکوک انجام شود. در حالی که بازپروری و رهاسازی حیوانات بومی آسیب‌دیده به طبیعت می‌تواند مناسب باشد، ممکن است دلایل اخلاقی و عملی نیز برای رها نکردن حیوانات بومی یتیم و پرورش یافته به دست انسان وجود داشته باشد (Buddle & Bray, 2019)، قوانین حیوانات استرالیا مشابه قوانین سایر کشورها است زیرا از یک سو، قوانینی وجود دارد که کشتن، معدوم کردن و آسیب رساندن به حیوانات را مجاز می‌کند اما از سوی دیگر، قوانینی وجود دارد که حیوانات را از کشتن، آزار و اذیت یا آسیب محافظت می‌کند. مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌های عملی و دستورالعمل‌ها برای راهنمایی مراقبین داوطلب حیات وحش که حیوانات وحشی بومی آسیب‌دیده و یتیم را نجات داده و بازپروری می‌کنند، در نظر گرفته شده است. این مراقبین باید قوانین و سیاست‌هایی را دنبال کنند که از نظر پیچیدگی، هدف و اجرا، هم بین و هم در داخل ایالت‌ها و قلمروهای استرالیا متفاوت است. بهزیستی حیوانات وحشی نجات یافته، یک هدف اصلی برای مراقبین حیات وحش است اما پیمایش موفقیت‌آمیز این قوانین، چالشی دیگر برای بازپروری حیوانات آسیب‌دیده و یتیم محسوب می‌گردد چرا که حیوانات بومی (به ویژه کانگورو، شترمرغ و ببر تاسمانی) نقش مهمی در محیط زیست و هویت استرالیا دارند. ایالت‌های استرالیا دارای قدرت‌های مستقلی هستند. این ایالت‌ها منافع مشترکی دارند و مسئولیت‌های خاصی مانند دفاع، مالیات بر درآمد و معاهدات خارجی را به آن تفویض

کرده‌اند. هیچ قانون ملی مبنی بر ضرورت حداقل الزامات رفاه حیوانات وجود ندارد. مسئولیت مدیریت حیات وحش و سایر حیوانات بر عهده ایالت‌ها و سرزمین‌ها است. با این حال، به عنوان یک استثناء، قوانین ملی الزام آور و قانونی برای رفاه حیوانات در تحقیقات وجود دارد (قانون استرالیا برای مراقبت و استفاده از حیوانات برای اهداف علمی). نقش کشورهای مشترک‌المنافع در این زمینه محدود است زیرا قانون اساسی استرالیا، نه به رفاه حیوانات و نه حقوق حیوانات، به جز ماهیگیری، همراه با جزئیات اشاره نمی‌کند.

۴- سیاست تقنینی کشور چین

چینی‌های بودیسم بر این باورند که همه موجودات برابر هستند و انسان‌ها را به گیاهخواری و آزادی حیوانات در اسارت تشویق می‌کنند. تائوئیسم معتقد است که به همه موجودات رحمت داده می‌شود و آیین کنفوسیوس اصل بدون آسیب را ترویج می‌کند که شخصی آسیب‌زننده به یک موجود، بی‌رحم تلقی می‌شود. دانشمندان چینی، حمایت از حیوانات و قوانین ضد ظلم را در چین فتودال و در طول تاریخ مستند کرده‌اند. تلاش‌های نظارتی جمهوری چین نشان می‌دهد که این کشور دارای یک سابقه تصویب قوانین محلی حفاظت از حیوانات است. در دوران پیش از اصلاحات سوسیالیستی، حفاظت از حیوان از نگرانی‌های برجسته نبود. پس از جنگ دوم جهان و جنگ داخلی چین، کاهش فقر به اولویت اصلی سیاست ملی تبدیل شد. در این زمان، حیوانات صرفاً به عنوان منابعی برای تأمین مواد غذایی در نظر گرفته شده و برای پیشرفت اجتماعی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند (Yuan, 2020). در سه دهه گذشته، چین در نتیجه اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ پس از سال ۱۹۷۸ به رشد اقتصادی خارق‌العاده‌ای دست یافته است. در حالی که توسعه اقتصادی، ۵۰۰ میلیون چینی را از فقر نجات داد، عوارض جانبی قابل‌توجهی مانند تخریب محیط‌زیست و حیوانات را به همراه داشت. دنبال کردن مزیت‌های اقتصادی، دلیل اصلی بی‌رحمی و آزار و اذیت حیوانات در چین است و همچنین، فقدان قانون رفاه حیوانات در این کشور سبب شد هدف اصلاحات اقتصادی چین، در ابتدا بهبود عرضه غذا به ۹۰۰ میلیون چینی باشد. به همین دلیل، اخلاق انسانی، مسئولیت اجتماعی، اثرات زیست‌محیطی، حقوق کار و غیره، اغلب نادیده گرفته می‌شدند. مقامات چینی، انگیزه‌ای برای مقابله با مشکل ظلم به حیوانات ندارند و هدف اصلی این کشور رشد اقتصادی است. موارد حیوان‌آزاری مرتبط با عملیات تجاری و اجرای قانون توسط دولت مانند پرورش خرس، برای به دست آوردن خز و کشتار بی‌رویه سگ‌های سالم، اغلب به سرفصل‌های حمایتی محلی و ملی تبدیل شد. شدت این موضوع با گزارش رسانه‌ها تشدید می‌شود و حوادث مکرر حیوان‌آزاری در سال‌های اخیر که چینی‌ها را شوکه کرده است، عمومی شد و بسیاری را بر آن داشت تا خواهان تغییر فوری قانون شوند. در دو دهه گذشته، با عضویت بیشتر چینی‌ها در کمپین‌های حمایت از حیوانات چین، موارد مالکیت حیوان خانگی در چین افزایش یافته است. سگ‌ها به‌طور فزاینده‌ای توسط افراد مسن برای همراهی نگهداری می‌شوند. تعداد سگ‌های نگهداری‌شده به عنوان حیوان خانگی در چین از ۱۰۰ میلیون نفر فراتر رفته است که ۵۰ درصد افزایش نسبت به یک دهه قبل را نشان می‌دهد. همان‌طور که افراد بیشتری با حیوانات خانگی خود ارتباط برقرار می‌کنند و نسبت به آن‌ها محبت می‌کنند، جامعه چین نیز به مدافعان فعال قوانین حمایت از حیوانات تبدیل شده است. با وجود این، چین بدون حمایت جامع از حیوانات باقی مانده است و نظم حقوقی کنونی چین، پیگرد قانونی حیوان‌آزاری و حقوق حیوانات را غیرممکن کرده است. بیشتر فعالان در چین کسانی هستند که در تلاش‌های خود برای نجات حیوانات، اغلب قانون را زیر پا می‌گذارند. فقدان قانون حمایت از حیوانات، انتقاد شدید حامیان رفاه و دوستداران حیوانات در محافل علمی و سیاسی چین را به دنبال داشته و بحث‌های داغی را در رسانه‌ها به راه انداخته است. جنایات علیه حیوانات به تدریج به عنوان یک جرم جدی شناخته می‌شود. در چند سال گذشته، جنایات علیه حیات وحش

توجهات بین‌المللی را به خود جلب کرده است. برخلاف وضعیت حیوانات اهلی در چین، رژیم حقوقی اولیه‌ای مربوط به حیات وحش در چین وجود دارد که شامل مقررات قانون اساسی، قوانین ملی، مقررات اداری تابعه استانی و مقررات محلی اجرای حیات وحش و تفاسیر و نظرات الزام‌آور توسط بالاترین دادگاه‌ها و مراجع قانونی و اداری مربوطه است. مهم‌ترین قانون مربوط به حیوانات در چین، قانون حفاظت از حیات وحش است. این قانون در مورد تنظیم اصول و چارچوب راهنما برای مدیریت، استفاده و حفاظت از حیات وحش در چین است و مقررات فرعی و اقدامات اداری مانند آیین‌نامه اجرای حفاظت از حیات وحش، مجوز مقامات محلی و مشخص کردن شرایط محلی وجود دارد. قوانین و مقررات محلی در سطح استانی برای اجرای ملی طراحی شده است. چین یکی از امضاءکنندگان کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوران و گیاهان وحشی و سایر معاهدات بین‌المللی و دوجانبه مربوط به حیات وحش در خطر انقراض است. نکته جالب توجه این است که دولت‌ها بیان می‌کنند که اگر هر معاهده بین‌المللی مربوط به حفاظت از حیات وحش که توسط چین منعقد شده یا به آن ملحق شده است، حاوی مقرراتی متفاوت از مقررات این قانون باشد، مفاد معاهده بین‌المللی اعمال خواهد شد؛ مگر اینکه چین در مورد چنین مقرراتی حق شرط اعمال نماید (Cao & White, 2016). همچنین، تفسیرها و نظراتی توسط بالاترین دادگاه در چین در مورد قوانین و مقررات خاص ملی مذکور وجود دارد. دادگاه عالی خلق چین، در مورد اعمال قوانین در محاکمات دادگاه به‌ویژه تعیین مجازات مناسب درباره حیواناتی که در معرض خطر هستند و حفاظت می‌شوند، می‌پردازد. نمونه‌های این تفاسیر عبارت‌اند از تفسیر دادگاه عالی خلق در مورد اعمال قوانین در پرونده‌های کیفری مربوط به نابودی منابع حیات وحش و تفسیر اعمال قانون در پرونده‌های قاچاق حیوانات. نکته مهم این است که قانون جزای ۱۹۷۷، منع اعمال مجرمانه مربوط به حیات وحش و قاچاق حیات وحش و محصولات آن‌ها را در نظر گرفته است. در حدود پنج سال گذشته، چین به‌عنوان بزرگ‌ترین مجرای تجارت غیرقانونی عاج در جهان شناخته شده است. یکی از واقعیت‌ها این است که رشد مجدد قاچاق حیات وحش و شکار غیرقانونی در مورد فیل‌ها و کرگدن‌ها به‌طور مستقیم با رونق اقتصادی چین در سال‌های اخیر مرتبط است و به آن دامن می‌زند. با افزایش جمعیت چین، گزارش شد که ۷۰ درصد عاج به‌دست‌آمده از شکار غیرقانونی فیل‌ها در آفریقا به چین سرازیر می‌شود. طبق آمارهای موجود، از تمام تجارت عاج در جهان، حدود ۹۰ درصد به چین فروخته می‌شود. در سال ۲۰۱۱، بیش از ۱۵۰ شهروند چینی در سراسر آفریقا به دلیل قاچاق عاج دستگیر شدند. با تقاضای فزاینده برای محصولات عاج در چین و افزایش قیمت عاج در چین و سایر کشورهای شرق و آسیای جنوب شرقی، گمان می‌رود که تجارت سودآور سندیکای جنایتکاران سازمان‌یافته در شکار غیرقانونی فیل‌ها و محموله‌های عاج در مقیاس بزرگ از آفریقا، با حمایت از فساد، در مراحل کلیدی زنجیره قاچاق، دست دارند. بر اساس گزارش‌ها و بررسی‌ها، اتباع آسیای شرقی، به‌ویژه چینی‌ها، تجارت مدرن عاج را هدایت می‌کنند و قاچاقچیان عاج عمدتاً شبکه‌های جنایی سازمان‌یافته آسیایی هستند که در یک بازار سیاه شبکه‌ای فعالیت دارند که با انواع دیگر فعالیت‌های غیرقانونی مرتبط است. قاچاقچیان چینی تقریباً در تمام کشورهای آفریقایی حضور دارند و تقریباً در هر نقطه در امتداد زنجیره تأمین عاج فعالیت می‌کنند. مسلماً هیچ راه‌حل آسان یا ساده‌ای برای پایان دادن کشتار گسترده و وحشیانه فیل‌ها برای تجارت عاج وجود ندارد که بتواند فوراً به این موضوع پایان دهد. با این حال، تعدادی از مسائل در رژیم حمایت قانونی از فیل‌ها و حیات وحش در این کشور ارزش توجه عمومی دارند. در مورد تجارت قانونی محصولات عاج در چین و جاهای دیگر و وضعیت قانونی حیات وحش به‌عنوان منابع برای بهره‌برداری، قوانین موجود شامل مجازات خفیف برای مجرمان و عدم اجرای آن هستند. همان‌طور که اغلب اشاره شده است، فقدان هنجارهای حقوقی بین‌المللی جامع در مورد جرائم حیات وحش به این معنی است که قانون داخلی در درجه اول مسئول تعیین ماهیت، دامنه و پیامدهای جرائم حیات وحش است؛ بنابراین، آنچه مورد نیاز است، قوانین بین‌المللی و هنجارهای

حقوقی جرائم فراملی حیات وحش و قوانین جامع حیات وحش در سطح ملی از نظر مجازات کیفری مؤثرتر و جهانی‌تر است. همان‌طور که اشاره شد، اجرای کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوران و گیاهان وحشی در حال انقراض (سایتس)^۱ مشکل‌ساز است زیرا برای اجرای تعهدات معاهده به کشورهای عضو بستگی دارد. کشورهای عضو موظف به اعمال مجازات کیفری در تخطی از کنوانسیون حین تجارت هستند. طبق قوانین در چین، همان‌طور که قبلاً ذکر شد، قاچاق، کشتار، خرید، فروش و حمل و نقل حیات وحش حفاظت‌شده و محصولات آن‌ها جرمی است که می‌تواند حبس طولانی‌مدت، از حبس زیر پنج سال یا تعلیق و حتی همین اواخر به حبس ابد و نیز محکومیت به اعدام را نیز به دنبال داشته است. چین صدها فروشنده غیرقانونی عاج را در دهه گذشته زندانی کرده است و حدود ۳۰ نفر از قاچاقچیان عاج به حبس ابد محکوم شدند. در زمان‌های اخیر، تعدادی از پرونده‌های عمده مربوط به محکومیت‌های قاچاق عاج در چین به‌طور گسترده در رسانه‌های چینی منتشر شد. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۰، دادگاهی در شانتو، استان گوانگدونگ، شخصی به نام کچنگ چانگ را به حبس و شخصی به نام کجیائو را به مرگ با دو سال مهلت (این مورد قبل از اصلاحیه قانون کیفری ۲۰۱۱ بود) و شخصی به نام خی چوانگ را به دلیل قاچاق ۷۷۰ عاج فیل از فیلیپین به حبس ابد محکوم کرد. مقدار کل عاج‌های قاچاق‌شده، ۲/۱ تن بود. در یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های قاچاق عاج در چین در سال ۲۰۱۳، شخصی به نام چن به قاچاق حدود ۷/۶۸ تن عاج به خارج از کنیا، تانزانیا و نیجریه محکوم به حبس ابد شد. چن در مرحله بدوی به حبس ابد محکوم شد اما این مجازات در دادگاه تجدیدنظر به ۱۵ سال زندان کاهش یافت. ارزش عاج قاچاق‌شده بیش از ۳۷۸ میلیون یوان (حدود ۵۵ میلیون دلار آمریکا) بود. در سال ۲۰۱۳، دو مظنون اهل گوانگدونگ به اتهام قاچاق ۱/۰۴ تن عاج از آفریقا به ۱۴ و ۱۲ سال زندان محکوم شدند. آن‌ها از تولیدکنندگان قانونی عاج و تاجر در گوانگدونگ بودند. آن‌ها درخواست تجدیدنظر کردند اما احکام اصلی تأیید شدند. در یکی دیگر از موارد مهم قاچاق عاج در سال ۲۰۱۳، توسط شخصی به نام گونگ و چهار نفر دیگر در استان آنهویی، بیش از سه تن عاج مابین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ از ژاپن به چین قاچاق شده است. ارزش تخمینی این قاچاق، ۱۳۵ میلیون یوان (حدود ۲۰ میلیون دلار آمریکا) بود. گونگ به خرید و فروش غیرقانونی محصولات حیوانی محافظت‌شده محکوم شده و به مجازات ۱۵ سال حبس و مصادره اموال به ارزش سه میلیون یوان محکوم گردید. در یک پرونده دیگر، در سپتامبر سال ۲۰۱۵، دادگاه بین‌المللی مردم شهر چینگدائو، مالک یک خانه عتیقه‌فروشی را به دلیل قاچاق ۱۸ خرطوم فیل به چین از طریق سیستم پستی ژاپن به ۱۵ سال حبس محکوم کرد (Cao & White, 2016). علی‌رغم شرایط قانونی و مدت طولانی حبس در بسیاری از موارد مربوط به قاچاق عاج در چین، روند نگران‌کننده‌ای طی دو سال گذشته پدیدار شده است (Garner, 2002).

۵- سیاست تقنینی اسرائیل

نظام حقوقی اسرائیل، در برخی جنبه‌ها از نظر حمایتی نسبتاً مترقی است. در برخی موارد، منافع حیوانات بر علایق اساسی انسانی غلبه می‌کنند. به‌عنوان مثال، نظارت بر ممنوعیت تغذیه اجباری غازها و اردک‌ها از سوی دولت اسرائیل بر عهده سازمان‌های حمایت از حیوانات قرار گرفته است. قانون‌گذار و دادگاه‌ها به نمایندگی از منافع حیوانات در دادگاه‌های مدنی، اداری و کیفری، مشکل پایمال شدن حقوق حیوانات را حل می‌کند. نخستین مراکز تمدن بشری و سرزمینی بین دریای مدیترانه و رود اردن شاهد برخی از مراحل اولیه حمایت از حیوانات بود. در کتاب مقدس نیز بعدها این منطقه محل توسعه برخی از قدیمی‌ترین قوانین محافظت از حیوانات در برابر استثمارگران انسان بود. با وجود برخی نظرات مخالف در کتاب مقدس که خوردن گوشت را حرام می‌داند، عموماً بهره‌کشی از حیوانات برای کار و

1. the convention on international trade in endangered species of wild fauna and flora

استفاده و کشتن آن‌ها برای غذا و مواد خام را تأیید می‌کند (Francione, 2007). در قرن بیستم، رژیم غذایی این سرزمین تقریباً گیاه‌خواری (بر اساس گندم و جو، روغن زیتون، سبزیجات و میوه‌ها، با کمی لبنیات) بود و گوشت فقط در مناسبت‌های خاص مصرف می‌شد. مهاجران یهودی و آلمانی از اروپا عوامل تغییر در این زمینه بودند. آن‌ها اشتیاق حیوانی را با خود آوردند و سیستم‌های تولیدی محصولات، واردات مرغ و گاو اروپایی رونق گرفت. از زمان تشکیل دولت اسرائیل (رژیم صهیونیستی)، کشاورزی دام عملاً در دست کشاورزان یهودی در روستاهایی است که توسط صهیونیست‌ها تأسیس شده است. از نظر فناوری، صنایع حیوانی امروزی در اسرائیل پذیرفته شده است و برخی مناطق اسرائیل، از پیشروهای تولید شیر به شمار می‌روند. از سوی دیگر، اسرائیل یک موج اجتماعی قوی از آگاهی حقوق حیوانات را تجربه می‌کند. این امر، به‌خصوص در شیوع و گانیسم و گیاه‌خواری آشکار می‌شود. ۱۳ درصد از اسرائیلی‌ها خود را گیاه‌خوار تعریف می‌کنند. در نظرسنجی انجام‌شده در اواخر سال ۲۰۱۳، ۲۵ درصد گفتند که مصرف گوشت را در سال ۲۰۱۳ کاهش دادند و ۱۳ درصد با توجه به تغییر رژیم غذایی گیاهی، ۱۰ درصد از بستگان خود در سال ۲۰۱۳ گیاه‌خوار شدند. بررسی‌های دیگر نیز گیاه‌خواری را از علل عمده حمایت از حیوانات می‌داند. از زمان قیمومیت انگلیس بر فلسطین، حیوان‌آزاری ممنوع شد. در سال ۱۹۹۴، لفظ قانون رفاه حمایت از حیوانات که در قانون کیفری آمده بود، با قانون حمایت از حیوانات جایگزین شد. ماده دوم این قانون مقرر می‌دارد: «شخصی نباید حیوانی را شکنجه کند، نسبت به حیوان ظالمانه رفتار کند و یا به نحو دیگری از آن سوءاستفاده کند». این‌ها عبارات قوی و درعین حال، اصطلاحات نامشخصی بود که نیاز به تفسیر داشت اما به‌زودی در چارچوب حکمی از دیوان عالی کشور در یک پرونده^۱ بررسی شد که به قضیه حمت گادر معروف است. پرونده به یک بخش از نمایش کوتاه که از تمساح استفاده شده است، می‌پردازد. این قسمت با عنوان «نبرد مرد و تمساح» شامل تعدادی صحنه استرس‌زا بر روی بدن تمساح بود. در ادامه، یک سازمان حمایت از حیوانات، به دنبال یک شکایت علیه این بخش از نمایش، با عنوان «اجازه دهید حیوانات زندگی کنند»، برنده دعوی شد. مقررات خاص در مقابل چارچوب ممنوعیت حیوان‌آزاری که توسط دادگاه در پرونده حمت گادر تفسیر شد، یک ممنوعیت چارچوبی است؛ یک قانون اصلی که می‌تواند در هر مجموعه مشخصی از شرایط اعمال شود. علاوه بر این، چارچوب ممنوعیت در همه دعاوی حیوانات اعمال می‌شود. حمله به حیوان دیگری، قطع عضو، هرگونه بریدگی در بافت زنده حیوان به دلایل زیبایی که شامل بستن دم و بریدن گوش سگ‌ها، خالکوبی ماهی‌ها و هر عملی که باعث تغییر رنگ آن‌ها می‌شود تا به‌عنوان کالای زینتی فروخته شوند، ممنوع است. این ممنوعیت‌ها مورد تحسین قرار می‌گیرند، همچون مقررات منع در نگهداری از حیواناتی که به این ترتیب عمل یا رنگ آمیزی شده‌اند و فروش آن‌ها در پت‌شاپ‌ها و نمایش آن‌ها در نمایشگاه‌ها اعمال می‌شود. به‌علاوه، اسرائیل واردات ماهی‌های خالکوبی‌شده و رنگی را ممنوع کرده است. باز کردن چنگال گربه در اسرائیل ممنوع است، مگر اینکه این جراحی به تشخیص پزشک باشد و خطر جدی سلامتی گربه را تهدید کند. در صورتی که جراحی در کلینیک برای هر حیوانی انجام شود، باید به دولت گزارش شود (Andronie et al., 2013). رها کردن حیوان ممنوع است. این ممنوعیت با این فرض تکمیل می‌شود که اگر حیوانی ولگرد پیدا شود، توسط آخرین دارنده او رها شده است؛ مگر اینکه شخص، خلاف آن را ثابت کند. سازمان حمایت از حیوانات، شهرداری و دامپزشکی که از یک حیوان رهاشده مراقبت می‌کند، ممکن است هزینه‌های نگهداری حیوانات را تا ۶۰ روز از طرف صاحب یا دارنده قبلی حیوان دریافت کند. قانون حمایت از حیوانات، کار حیواناتی را که به دلیل شرایط جسمانی و فرسودگی نمی‌توانند کار کنند، ممنوع کرده است. کار با حیوانی که در موقعیت‌های سخت کار می‌کند، مقرراتی را در مورد بهره‌برداری از حیوانات برای کشیدن گاری و حمل بار ارائه می‌دهد. سوار شدن بر حیوانات بیمار و خردسالان (تا ۳ سال) و مادرانی

1. let the animals live v. hamat gader recreation

که بچه‌هایشان کمتر از ۳۰ روزه هستند، ممنوع است. در ضمن، باید بر حیوان میکروچیپ کاشته شده و گواهی دامپزشکی به روز داشته باشد که حیوان را برای کار مناسب اعلام کند. گواهی سلامت باید شامل وزنی که حیوان برای حمل آن ساخته شده و توانایی بدنی او باشد و وزن کل بار هنگام کشیدن گاری نباید بیش از ۱۰۰۰ کیلوگرم برای هر اسب یا ۵۰۰ کیلوگرم برای هر الاغ باشد. حین کار، استراحت‌های مناسب باید داده شود، یعنی برای هر ۳ ساعت، کمتر از نیم ساعت استراحت در نظر گرفته شود. قانون حمایت از حیوانات وحشی در سال ۱۹۵۵ برای حفاظت از هر حیوان مهره‌داری تصویب شد. یکی از اهداف این قانون، حفاظت از طبیعت است که ممکن است مستلزم برخورد با حیوانات به عنوان نمونه‌هایی از طبیعت باشد (Iacono-Connors et al., 1991). قانون حفاظت از حیوانات وحشی، حیوان وحشی را به عنوان پستاندار، پرنده، خزنده، دوزیستان در قلمرو کشور یا خارج از قلمرو کشور تعریف می‌کند. بر این اساس، این قانون در مورد حیوانات وحشی، در طبیعت و در اسارت، از جمله آن‌هایی که در اسارت پرورش یافته‌اند و به انسان‌ها عادت کرده‌اند و همچنین در مورد تخم‌مرغ و خز حیوانات وحشی، عاج و غیره نیز صدق می‌کند. شکار با مجوز انجام می‌شود، به استثناء شکار حیوانات از تعداد محدودی از گونه‌هایی که آفت اعلام شده‌اند. برخی از گونه‌های پرندگان ممکن است به عنوان ورزش توسط افرادی که مجوز شکار دارند، شکار شوند. شکار حیوانات مجاز به بهانه جلوگیری از آسیب به محصولات کشاورزی، حفظ تعادل اکولوژیکی، پیشگیری از خطر یا بیماری به انسان‌ها و حیوانات و برای اهداف پرورشی یا علمی است. از قربانیان برجسته شکار قانونی می‌توان به گراز، شغال، جوجه تیغی، برخی از گونه‌های کلاغ، طوطی رز و غیره اشاره کرد. روش‌های شکار محدود است در حالی که برخی محدودیت‌ها (مانند ممنوعیت از مواد منفجره و سم و قوانین مربوط به استفاده از اسلحه) با هدف اطمینان از ایمنی افراد یا برای جلوگیری از آسیب‌های جانبی به محیط‌زیست و برخی محدودیت‌ها از حیوانات در برابر اعمال ظالمانه یا ناعادلانه محافظت می‌کنند. این محدودیت‌ها عبارت‌اند از ممنوعیت استفاده از تله توری و چسب روی حیوانات، تعقیب حیوانات و شکار آن‌ها با وسیله نقلیه موتوری. استفاده از سگ برای تعقیب حیوانات و بازیابی حیوانات شکار شده مجاز است. مکان‌یابی گرازها ممکن است توسط سازمان طبیعت و پارک‌ها به صورت موردی مجاز باشد.

۶- سیاست تقنینی کشور برزیل

سیستم حقوقی برزیل نشان داده است که می‌توان از حیوانات به عنوان فردی و جمعی حمایت کرد و منافع حیوانی را در چارچوب قانون به رسمیت شناخت. برزیل، قانون اساسی و برخی قوانین که منافع حیوانات را مشخص می‌کند، تدوین کرده است. با این حال، شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاست‌های قضایی هنوز نتوانسته‌اند مفاد این قانون را اجرا کنند. قانون اساسی برزیل در سال ۱۹۸۸، تغییراتی تدریجی در حقوق حیوانات ایجاد کرد و حقوق فردی این موجودات را با ایجاد قانون حفاظتی و اساسی ارتقاء داد. قوانین زیست‌محیطی حفاظت از حیات وحش و گونه‌های در معرض خطر، آغاز ایجاد یک چارچوب قانونی برای رفتار با افراد غیرانسانی را نشان می‌دهد. این قوانین در مورد منافع حیوانات به رسمیت شناخته شده است که حیوانات، بخشی از یک گروه بیولوژیکی و اکولوژیکی مستمر و تشکیل یک دفاع جمعی هستند. برزیل، معاهدات مربوط به حفاظت از محیط‌زیست و حیوانات را امضاء کرده است. کنوانسیون حفاظت از طبیعت و حفظ حیات وحش در نیمکره غرب، تصویب شده توسط فرمان قانونی شماره ۳ در سال ۱۹۴۸ که از ۲۶ نوامبر ۱۹۶۵ در برزیل لازم‌الاجرا شد، با فرمان شماره ۵۸۰۵۴ در ۲۳ مارس ۱۹۶۶ ابلاغ گردید. ماده هفت تعیین می‌کند که کشورها برای جلوگیری از انقراضی که یک گونه را تهدید می‌کند، باید تصمیمات مناسبی را اتخاذ کنند. همچنین، ماده نهم مقرر می‌دارد: «هر کشوری باید اقدامات لازم را برای نظارت و تنظیم واردات، صادرات و ترانزیت گونه‌های گیاهی و جانوری حفاظت شده انجام دهد». قانون برزیل در مورد حفاظت از جانوران، قانون شماره ۵۱۹۷، در ۳ ژانویه

۱۹۶۷ تصویب شد و در ماده ۱ مقرر گردید که «حیوانات از هر گونه، در هر مرحله از رشد و نمو آن‌ها و طبیعتاً زندگی خارج از اسارت، حیات وحش را تشکیل می‌دهند و لانه‌ها، پناهگاه‌ها و پرورش طبیعی آن‌ها متعلق به دولت است. استفاده از آن‌ها، آزار و شکنجه، تخریب، شکار یا برداشت ممنوع است». در ۸ نوامبر ۲۰۰۸، رئیس‌جمهور، قانون شماره ۱۱/۷۹۴ را تصویب کرد که مربوط به پرورش و استفاده از حیوانات در فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی در برزیل است.

مطابق قوانین داخلی برزیل، "تمام حیوانات موجود در کشور توسط دولت حمایت می‌شوند". مثله کردن یا جراحی که به‌طور داوطلبانه در حیوانات انجام می‌شود، به‌استثناء عملیاتی که به نفع علم انجام می‌شود، به‌عنوان بدرفتاری در نظر گرفته می‌شود. اگرچه این هنجار مستقیماً با تحقیق یا زنده‌گیری سر و کار ندارد اما این هنجار را بدرفتاری می‌داند: «ضربه زدن، زخمی کردن یا مثله کردن داوطلبانه هر عضو یا بافتی، به‌جز اخته کردن، فقط برای حیوانات اهلی، یا سایر اعمالی که به نفع انحصاری حیوان انجام می‌شود و آن‌هایی که برای دفاع از انسان یا به نفع علم لازم است. همچنین، رها کردن حیوان بیمار، زخمی، خسته یا مثله‌شده و غفلت از انجام هر چیزی که می‌تواند به روشی بشردوستانه از جمله مراقبت‌های دامپزشکی ارائه شود» (Lourenço & de Jesus, 2019).

۷- سیاست تقنینی اتحادیه اروپا

کنوانسیون اروپایی در جهت حمایت از حیوانات برای کشتار، به‌عنوان کنوانسیون کشتار شناخته می‌شود؛ یک معاهده در خصوص رفاه حیوانات شورای اروپا که در ۱۰ مه ۱۹۷۹ در استراسبورگ، تصویب و از ۱۱ ژوئن ۱۹۸۲ لازم‌الاجرا شد. ازجمله موارد قابل توجه این کنوانسیون، تعیین استانداردهای اخلاقی مربوط به ذبح حیوانات است. به دلیل افزایش آگاهی عمومی و بحث در مورد رفاه حیوانات در دهه ۱۹۶۰، شورای اروپا بیشتر به این موضوع توجه داشته و کنوانسیون، حداقل الزامات حمل‌ونقل حیوانات را در سال ۱۹۶۸ تصویب کرد. سپس، کنوانسیون اروپایی را برای حمایت از حیواناتی که برای اهداف کشاورزی نگهداری می‌شوند (و یا کنوانسیون حیوانات مزرعه)، در سال ۱۹۷۶ تصویب کرد (Angot & Rosolen, 2024). کنوانسیون اروپایی برای حمایت از حیوانات برای کشتار (و یا صرفاً کنوانسیون کشتار) در سال ۱۹۷۹، دنبال و در سال ۱۹۹۱ بازنگری شد. همه این کنوانسیون‌ها بر اساس توصیه‌های رفاه حیوانات ناشی از آخرین تحقیقات علمی در اخلاق‌شناسی کاربردی بودند.

کنوانسیونی که در مورد حفاظت از حیات وحش اروپا و زیستگاه‌های طبیعی، به‌عنوان کنوانسیون برن شناخته می‌شود؛ یک سند حقوقی الزام‌آور بین‌المللی در زمینه حفاظت از طبیعت که میراث طبیعی در اروپا و همچنین برخی از کشورهای آفریقایی را پوشش می‌دهد. کنوانسیون در ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۹ برای امضاء مفتوح بود و در ۱ ژوئن ۱۹۸۲ لازم‌الاجرا شد. این کنوانسیون، به‌ویژه در مورد حفاظت از زیستگاه‌های طبیعی و گونه‌های در معرض خطر ازجمله گونه‌های مهاجر، قابل توجه است (Goetschel, 2024). ازجمله اهداف این کنوانسیون عبارت‌اند از حفاظت از گیاهان و جانوران وحشی و زیستگاه‌های طبیعی آن‌ها، ارتقاء همکاری بین کشورها، توجه ویژه به گونه‌های در معرض خطر و آسیب‌پذیر ازجمله گونه‌های مهاجر در معرض خطر و آسیب‌پذیر.

کنوانسیون اولیه ۱۹۶۸، قوانین «آماده‌سازی حیوانات برای بارگیری» شامل خودبارگیری، طراحی وسایل حمل‌ونقل، آمادگی حیوانات برای حمل‌ونقل، شرایط حمل‌ونقل، بررسی‌های دامپزشکی، جابه‌جایی حیوانات، گواهینامه‌ها و جنبه‌های خاص انواع مختلف حمل‌ونقل (راه‌آهن، جاده‌ای، آبی یا هوایی) را وضع کرد. کنوانسیون اصلاح‌شده سال ۲۰۰۳، بسیاری از قوانین مشابه اصلی را دارا است اما یک خصیصه بارزتر به‌عنوان یک سند چارچوب، با مقررات تکمیلی و جزئیات بیشتر در پروتکل‌های فنی که قرار بود بعداً تنظیم شود، اضافه شد. این پروتکل‌ها به

«حداقل فضای مجاز و حداکثر مدت سفر، حداقل فواصل زمانی برای آبیاری و غذا دادن به حیوانات و حداقل دوره‌های استراحت» می‌پردازند (Eyre, 2024).

نتیجه‌گیری

حقوق حیوانات، یک رشته حقوقی رو به رشد بوده که در ۳۰ سال گذشته رشد قابل توجهی داشته است. علم رفاه حیوانات نیز پدیده‌ای مربوط به اواخر قرن بیستم است که در هزاره جدید همچنان بر اهمیت آن افزوده می‌شود. همان‌طور که این تحولات انضباطی نسبتاً اخیر ممکن است برای پیشبرد حمایت از حیوانات دلگرم‌کننده باشد، این مقاله یک رویکرد احتیاطی ارائه می‌دهد. موضوع اصلی این است که هیچ سیاست تقنینی در مواجهه با چالش استثمار حیوانات، به تنهایی قادر به حل مسائل پیچیده نیست و هر یک چیزی برای یادگیری یا اشتراک گذاری با دیگران دارند. با جهانی شدن روزافزون بهره‌کشی از حیوانات، نیاز به واکنش جهانی فوری تر شده است. اگر ما در آستانه یک ارزیابی اساسی از روابط انسانی و حیوانی هستیم و قرار است حقوق و حمایت از حیوانات یک جنبش عدالت اجتماعی بزرگ را تشکیل دهد، باید پاسخ موردنظر بر اساس یک درک مشترک از چالش‌هایی باشد که در سراسر حوزه‌های تقنینی با آن مواجه هستیم. در قرن بیست و یکم، حقوق‌دانان و دانشمندان، به نوبه خود باید بخشی از یک فشار مشارکتی، خلاق و متعهد برای تغییر باشند. این مقاله یک کمک فکری به این پروژه در تشخیص محدودیت‌های موجود در قوانین و عمل در سراسر حوزه‌های سیاست تقنینی و تغییر شکل درک ما از قوانین حیوانات به عنوان بخشی از زمینه مطالعات حیوانی گسترده‌تر، درک منشأ رویکردهای اخلاقی منسوخ غالب در مراقبت و حفاظت با تأکید بر نیاز به رویکرد انتقادی به استفاده از علم در زمینه‌سازی حقوق حمایت از حیوانات یا شناسایی امکانات اصلاحات نهادی در سطح داخلی و بین‌المللی است؛ بنابراین، قانون، نقشی حیاتی در حمایت از حیوانات در آینده دارد.

منابع

- Anderson, J. L. (2012). The origins and efficacy of private enforcement of animal cruelty law in Britain. *Drake Journal of Agricultural Law*, 17(2), 263.
- Andronie, I., Parvu, M., Ciurea, A., Putin, S., & Andronie, V. (2013). Impact of EC regulation on animal protection during transport in Romania—some aspects. *Scientific Papers Animal Science and Biotechnologies*, 46(2).
- Angot, J. L., & Rosolen, S. G. (2024). Bien-être et bientraitance des animaux. *Bulletin de l'Académie Nationale de Médecine*, 208(3), 283-289.
- Buddle, E. A., & Bray, H. J. (2019). How farm animal welfare issues are framed in the Australian media. *Journal of Agricultural and Environmental Ethics*, 32(3), 357-376.
- Cao, D., & White, S. (Eds.). (2016). *Animal law and welfare-international perspectives* (Vol. 53). Switzerland: Springer.
- Eyre, D., André, E. M., Castro, K., Dale, C., Fowler, G., Hess, B., ... & Nuamah, H. S. A. (2024). International collaboration to assess and manage the impacts of climate change on plant health in the framework of the International Plant Protection Convention. *EPPO Bulletin*, 54, 89-91.
- Francione, G. L. (2007). Reflections on animals, property and the law and rain without thunder. *Law and Contemporary Problems*, 70, 9.
- Garner, R. (2002). Political ideology and the legal status of animals. *Animal L.*, 8, 77.
- Goetschel, A. F. (2024). Animal welfare as the basis of One Health: A UN convention on animal welfare, health, and protection poses a realistic solution to improved animal welfare and human health. *CABI One Health*, 3(1).
- Iacono-Connors, L. C., Welkos, S. L., Ivins, B. E., & Dalrymple, J. M. (1991). Protection against anthrax with recombinant virus-expressed protective antigen in experimental animals. *Infection and Immunity*, 59(6), 1961-1965.
- Lourenço, D. B., & de Jesus, C. F. R. (2019). The Legal Protection of Animals in Brazil: An Overview. *Animals In Brazil: Economic, Legal and Ethical Perspectives*, 35-78.
- Sursukowski, J. (2007). The Hunt for Mercy. *J. Animal L.*, 3, 1.

Yuan, F. (2020). Chinese Animal Protection Legislation of Law and Economics Analysis. In *2020 8th International Education, Economics, Social Science, Arts, Sports and Management Engineering Conference (IEESASM 2020)* (p. 43).

استناد به این مقاله: زمانه قدیم، نوید، و عباسپور جلالی، آرام. (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی سیاست تقنینی کشورها در حمایت از حقوق حیوانات. فصلنامه تحقیقات نوین میان رشته‌ای حقوق، ۴(۳)، ۸۴-۹۷.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.